نشریه علمی پژوهش‌نامه اخلاق
دوره شانزدهم، پاییز ۱۴۰۲، شماره ۶۱
مقاله علمی ـ پژوهشی
صفحات: ۱۶۶ ـ ۱۴۷

Scientific Journal
PAZHUOHESH NAMEH-E AKHLAGH
Vol. 16, Autumn 2023, No. 61
Scientific Research Article

تمایز تواضع حقیقی از شبه‌تواضع، با نظر به مؤلفه‌های شناختی و عاطفی آن در قرآن و روایات

کوثر کلاه‌کج*
فاطمه وجدانی**
رحیم دهقان***

چکیده

جهت بازشناسی تواضع حقیقی از تواضع تصنعی، شناسایی مؤلفه‌های شناختی و عاطفی آن ـ علاوه بر تظاهرات رفتاری ـ ضروری است. این پژوهش در پی تبیین مؤلفه‌های شناختی و عاطفی تواضع در قرآن کریم و روایات است. در این راستا، علاوه بر بررسی تحلیلی مفهوم تواضع در قرآن و روایات، مفاهیم مترادف و متضاد با تواضع نیز بررسی شده‌اند. بر اساس یافته‌ها چهار مؤلفهٔ شناختی تواضع (شناخت واقع‌بینانه از خود، باور به فقر وجودی، برابر و برادر دانستن خود و دیگران، توجه داشتن به شایستگی‌ها و نقاط قوت دیگران)، و هفت مؤلفهٔ عاطفی آن (حب خداوند، محبت به دیگران، نداشتن حب افراطی به مال دنیا، عدم احساس شگفت‌زدگی و خودستایی، بی‌میلی به ستایش شدن، نگرش احترام‌آمیز به همه انسان‌ها، بی‌میلی به خاص بودن) به دست آمد. همچنین، بینش توحیدی و حب الهی به‌عنوان مؤلفه‌های پایه و پشتیبان برای سایر مؤلفه‌ها شناسایی شد.

واژگان کلیدی

تواضع، فروتنی، شبه‌تواضع، مؤلفه‌های تواضع.

---

*. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدرسی معارف اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی. kosar.kolahkaj1997@gmail.com
**. دانشیار دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول). f_vojdani@sbu.ac.ir
***. دانشیار دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی. r_dehghan@sbu.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۷

طرح مسئله

هر رفتار اخلاقی از مجموعه‌ای از مؤلفه‌های شناختی، عاطفی و عملی تشکیل شده و برای اینکه رفتار ارزشمند و اخلاقی باشد، علاوه بر نیک بودن رفتار بیرونی، نیازمند این است که از مبادی درونی (شناختی، عاطفی) مناسبی نیز نشئت گرفته باشد؛ ازجمله اینکه از نیت درست برخیزد. ازاین‌رو، حسن خلق علاوه بر درستکاری اعضای ظاهری، نتیجه اعتدال تمامی قوای باطنی است (تهرانی، ۱۳۹۵: ۱ / ۴۸). نیز از همین روست که در اخلاق اسلامی، علاوه بر حسن فعلی، حسن فاعلی نیز اهمیت دارد. یک رفتار به‌ظاهر خوب و ارزشمند ممکن است با انگیزه‌ها و مقاصد مختلفی ازجمله باور به ارزشمندی ذاتی آن رفتار، برای جلب توجه و تحسین دیگران، برای اجتناب از تقبیح یا سرزنش دیگران، برای کسب امتیاز مادی یا برای جلب رضایت الهی انجام گیرد. سیستم شناختی انسان به‌قدری پیچیده است که گاه ممکن است حتی خود فرد هم دچار خودفریبی شود و در تشخیص انگیزه واقعی خود به خطا رود. پیامد چنین خطای شناختی این است که فرد اشتباهاً و برای مدت‌های مدید، ارزیابی مثبتی از خود دارد و خود را عامل فضیلتمند تلقی می‌کند، درحالی‌که درواقع، دارای فضیلتی که تصور می‌کند نیست و فقط ظاهر یک رفتار فضیلتمندانه را به نمایش می‌گذارد؛ رفتاری که دارای تمام مؤلفه‌های یک عمل فضیلتمندانه نیست.

یکی از ارزش‌های اخلاقی مهم تواضع است که آثار فردی و اجتماعی مهمی دارد. زمینه‌سازی رشد فکری و عقلی، تقویت عبودیت، بهبود روابط میان‌فردی و حل مسالمت‌آمیزتر و سریع‌تر مسائل اجتماعی بخشی از ثمرات تواضع است؛[1] به‌گونه‌ای‌که خدای متعال در ذکر صفات بندگان خاص خود، تواضع را در صدر قرار می‌دهد:

---

۱. روایاتی در این زمینه آمده است. امام کاظم علیه‌السلام می‌فرماید: «ان الزَّرْعَ یَنْبُتُ فِي السَّهْلِ وَلایَنْبُتُ فِي الصَّفا، فَکَذلِکَ الْحِکْمَةُ تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَواضِعِ وَلاتَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَکَبِّرِ الْجَبّار، لان اللّه جَعَلَ التَّواضُعَ آلَةَ الْعَقْلِ وَجَعَلَ التَّکَبُّرَ مِنْ آلَةِ الْجَهْلِ (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۷۵ / ۳۱۲)؛ زراعت در زمین‌های نرم و افتاده می‌روید، نه بر سنگلاخ‌ها. همچنین حکمت و دانش در دل انسان فروتن، به شکوفایی و رشد می‌نشیند و در دل متکبرِ ستمگر، جای نمی‌گیرد. لذا فروتنی، نشانه خردمندی و گردن‌فرازی، علامت نادانی است.» امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «بِخَفْضِ الْجَناحِ تَنْتَظِمُ الاُمُور (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۳ / ۴۰۲)؛ با فروتنی، کارها سامان می‌یابد.» ایشان همچنین می‌فرمایند: «ثَمَرَةُ التَّواضُعِ المَحَبَّةُ، ثَمَرَةُ الکِبرِ المَسَبَّةُ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۳ / ۳۲۷)؛ نتیجه تواضع، جلب محبت و علاقه مردم است و نتیجه تکبر، خواری و دشنام است.» همچنین تواضع، رابطه درست انسان با خداوند را نیز شکل می‌دهد. کسی که تواضع ندارد، نه‌تنها حلاوت عبادت را نمی‌چشد، بلکه در برابر خداوند، گردنکشی می‌کند. در واقع، آنچه شیطان را پس از سال‌ها عبادت، از عبودیت دور کرد و باعث کفر و بدبختی او شد، تکبر او بود: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِکَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِیسَ أَبَی وَاسْتَکْبَرَ وَکَانَ مِنَ الْکَافِرِینَ (بقره / ۳۴)؛ و یاد کن هنگامی را که به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده و خضوع کنید، همگی سجده کردند جز ابلیس که سر باز زد و تکبر ورزید و به دلیل نافرمانی و تکبرش، از کافران شد.»

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا. (فرقان / ۶۳)

و بندگان خاص خدای رحمان آنان هستند که بر روی زمین به تواضع و فروتنی راه می‌روند.

رفتار متواضعانه دارای مؤلفه‌های درونی (شناختی و عاطفی) است که اگر رفتارهای به‌ظاهر متواضعانه از چنان شناخت‌ها و عواطفی نشئت نگرفته باشند، نه تواضع حقیقی، بلکه «شبه‌تواضع» یا «تواضع تصنعی»[1] خواهند بود که نشان از نفاق، عدم یکپارچگی شخصیتی و تمایل به فریب‌کاری دارند. به‌عبارت‌دیگر، صرفاً حضور و تحقق هم‌زمان مجموعه‌ای از عناصر معرفتی، عاطفی و عملی باعث می‌شود که ما شخصی را حقیقتاً متواضع بدانیم.

علامه طباطبایی ذیل آیه ۶۳ سوره فرقان می‌فرمایند: تواضع مؤمنین مصنوعی نیست؛ واقعاً در اعماق دل افتادگی و تواضع دارند (طباطبایی، ۱۳۶۷: ۱۵ / ۳۳۲). نراقی نیز در بحث از تواضع، معتقد است تواضع زمانی واقعی و پسندیده است که برای خدا و در راه خدا باشد و در این صورت، فرد انتظار تکریم از دیگران را ندارد (نراقی، ۱۳۸۶: ۱ / ۲۷۷).

این‌گونه اشارات به تواضع غیرواقعی و مصنوعی و توجه به خطر عظیم آن ما را بر آن می‌دارد که با شناسایی دقیق مؤلفه‌های درونی و پنهان تواضع (مؤلفه‌های شناختی و عاطفی)، شرایط تشخیص تواضع حقیقی و اجتناب یا اصلاح تواضع تصنعی را فراهم کنیم؛ چراکه تکرار رفتارهای تصنعی نه‌تنها منجر به تشکیل شاکله نیکو نمی‌شوند، بلکه می‌توانند سقوط اخلاقی فرد را نیز رقم زنند. مثلاً فرد به دلیل وفور رفتارهای به‌ظاهر متواضعانه و لذا تحسین و تمجید دیگران، بالعکس، دچار عُجب و تکبر می‌شود. بنابراین، شناخت عمیق و همه‌جانبه مفهوم تواضع از اهمیت بسیاری برخوردار است.

قرآن کریم و روایات اهل‌بیت‌علیهم‌السلام منابع غنی و راهنمای خوبی برای شناخت و تحلیل مفاهیم اخلاقی هستند. از همین رو، هدف این تحقیق شناسایی دقیق مؤلفه‌های شناختی و عاطفی تواضع بر اساس قرآن کریم و روایات اهل‌بیت‌علیهم‌السلام است.

تحقیقاتی که پیش‌تر درباره تواضع انجام گرفته‌اند، برخی به بررسی مصادیق تواضع، آثار تواضع، عوامل پیدایش آن و راهکارهای تقویت آن در منابع اسلامی پرداخته‌اند که می‌توان به پایان‌نامه کارشناسی ارشد جعفری (۱۳۸۶) با عنوان «تواضع و تکبر در قرآن و حدیث»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد بابوسته (۱۳۹۳) با عنوان «تکبر و تواضع از دیدگاه قرآن و حدیث»، پایان‌نامه

---

۱. «تواضع تصنعی» برگرفته از اصطلاحی است که علامه طباطبایی در ***المیزان*** به کار برده‌اند (طباطبایی، ۱۳۶۷: ۱۵ / ۳۳۲) و منظور ایشان، تظاهر به تواضع است؛ یعنی فرد رفتارهای متواضعانه از خود نشان بدهد، درحالی‌که قلباً خود را برتر از فرد مخاطب می‌داند.

کارشناسی ارشد صنعمی (۱۳۹۳) با عنوان «بررسی و معناشناسی کبر و خشوع از منظر آیات و روایات»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد شاکریان رستمی (۱۳۹۵) با عنوان «حدود و کارکرد تربیتی تواضع در خانواده»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد عارفی‌نسب (۱۳۹۶) با عنوان «چالش‌های فروتنی در رفتار مقامات نظام و راهکارهای مقابله با آن از منظر قرآن و حدیث»، و همچنین، مقاله «تواضع و فروتنی» محمدی اشتهاری (۱۳۷۸)، مقاله «نقش عنصر تواضع در شکل‌گیری و تقویت ارتباطات میان‌فردی از منظر آیات و روایاتِ» سلیمانی (۱۳۹۵) و مقاله «تبیین راهکارهای عملی و نظری کسب تواضع و فروتنی بر مبنای تحلیل محتوای خطبه قاصعه امیرالمؤمنینِ» کاشفی و همکاران (۱۳۹۹) اشاره کرد. البته در این‌گونه تحقیقات مفهوم تواضع و مؤلفه‌های آن به‌صورت عمیق تحلیل و شناسایی نشده‌اند. برخی نیز تواضع را از دیدگاه اندیشمندان یونانی و غربی بررسی کرده‌اند (مانند جاهد و همکاران، ۱۳۹۳؛ صادقی، ۱۳۹۹). در تحقیق دیگری، جاهد و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله «چیستی تواضع، بررسی تطبیقی دیدگاه‌های اخلاقیون مسلمان و فیلسوفان اخلاق غربی» به بازخوانی مفهوم تواضع پرداخته‌اند. براین‌اساس، تعریف اخلاقیون مسلمان از تواضع متکی است بر برتری و مزیت قائل نشدن برای خود در مقابل کسانی که به لحاظ رتبه، پایین‌تر از او هستند و برتر ندیدن خود از دیگران. مفاد این تعاریف آن است که اولاً ماهیت تواضع و حقیقت آن، برتری ندادن و مزیت قائل نشدن برای خود در مقابل دیگران است؛ ثانیاً تواضع امری نسبی و اضافی است و در نسبت با دیگری معنا پیدا می‌کند؛ ثالثاً لوازم و آثار تواضع افعال و اقوالی است که موجب تکریم و بزرگداشت دیگری می‌شود. از سوی دیگر، تعریف فیلسوفان اخلاق غربی را از تواضع در دو دسته نظریات باورمحور و نظریات میل‌محور جای داده است. سپس نظریات باورمحور را به سه دسته نظریات صحت‌نگر (مبتنی بر درک درست و دقیق از خود)، نظریات پایین‌نگر (مبتنی بر اینکه شخص تمام دستاوردهای خود یا یک یا چند دستاورد خود را پایین‌تر از حد واقعی و کم ارزش‌گذاری کند) و نظریات تساوی‌نگر (مبتنی بر اینکه شخص متواضع ارزش انسانیِ بنیادی خود را مشابه و یکسان با دیگر انسان‌ها ارزیابی می‌کند) تقسیم کرده‌اند. البته در این پژوهش مؤلفه‌های شناختی و عاطفی تواضع به طور کامل بررسی نشده و جا دارد که با بهره‌گیری از قرآن کریم و روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام، به مطالعه دقیق‌تری اقدام شود. تهرانی (۱۳۹۵) نیز تواضع را به‌ویژه در مقابل خداوند بررسی کرده است. در آنجا انواع و اقسام تواضع با نظر به مخاطب و با اعتبار حکم شرعی، مراتب و آثار تواضع و درنهایت راه‌های دستیابی به تواضع مطرح شده است. در این اثر نیز مؤلفه‌های تواضع به صورتی که

مد نظر این تحقیق است مورد تحلیل و صورت‌بندی و تبیین قرار نگرفته است.

در تحقیق حاضر، برای شناسایی دقیق مؤلفه‌های تواضع، علاوه بر بررسی تحلیلی مفهوم تواضع با استفاده از آیات قرآن کریم و روایات اهل‌بیت‌علیهم‌السلام (و با بهره‌گیری از دیدگاه‌های اخلاقیون مسلمان)، مفاهیم مترادف تواضع (مانند هون، خشیت، اخبات و خفض جناح) نیز بررسی شده‌اند؛ چراکه مفاهیمی که با هم مترادف‌اند مضامین مشابهی دارند و فهم مفاهیم مترادف به فهم مفهوم اصلی کمک می‌کند. همچنین، مفاهیم متضاد آن (مانند تکبر، اختیال و تفاخر) نیز بررسی شده‌اند؛ چراکه مفاهیم متضاد با یکدیگر جمع نمی‌شوند و وجود برخی ویژگی‌ها در یکی از آن‌ها، حاکی از فقدان آن‌ها در مفهوم دیگر است و درمجموع، تحلیل مفاهیم مترادف و متضاد به درک کامل‌تری از مفهوم اصلی می‌انجامد (باقری، ۱۳۸۷: ۴۰ ـ ۳۸). گفتنی است که در این تحقیق، تواضع به‌عنوان اخلاق اجتماعی بررسی خواهد شد، نه ذیل اخلاق بندگی.

مفهوم‌شناسی تواضع

برای بررسی مؤلفه‌های شناختی و عاطفی تواضع ابتدا توجه به معنای لغوی و اصطلاحی آن لازم است.

۱. تواضع در لغت و اصطلاح

واژه «تواضع» از ریشه «وَضَعَ» در اصل به معنای فرونهادن است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱ / ۱۳۱؛ طوسی، ۱۳۶۴: ۱۴۳). «وضع» هنگامی که به باب تفاعل می‌رود، باتوجه‌به اینکه باب تفاعل دلالت بر مطاوعه می‌کند، به مجاز معنای فروتنی یا خود را فرونهادن می‌دهد (زبیدی حسینی، ۱۳۸۵: ۱۱ / ۵۱۸؛ زکریا، ۱۴۰۴ ق: ۶ / ۱۱۷). بنابراین، تواضع این‌گونه معنا شده است: خود را کوچک نشان دادن (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق: ۲ / ۱۹۶؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۵: ۴ / ۴۶۴)؛ خود را خوار و ذلیل کردن (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵: ۲ / ۴۶۴؛ حسینی همدانی، ۱۳۸۰: ۵ / ۴۱)؛ خود را کوچک یا کم‌مایه نشان دادن به نشانهٔ احترام به مخاطب (انوری، ۱۳۸۱: ۳ / ۱۹۸) و راضی بودن به منزلتی فروتر از استحقاق خود (علم‌الهدی، ۱۴۱۰ ق: ۲۶۶).

در اصطلاح تواضع عبارت است از شکست نفسی که نگذارد آدمی برای خود، هیچ برتری و امتیازی بر دیگران قائل شود و لازمه آن کردار و گفتاری است که دلالت بر تعظیم دیگران و اکرام و احترام ایشان کند (نراقی، ۱۳۸۶: ۱ / ۳۹۵ و ۲۴۳). در تعریفی مشابه تواضع آن است که فرد برای

خود، مزیتی بر کسانی که در جاه (طوسی، ۱۳۶۴: ۱۳۳) یا مال (تلمسانی، ۱۳۷۱: ۱ / ۲۳) از او نازل‌تر باشند نشمرد. تعاریف مذکور جهت روشن کردن مفهوم تواضع به شیوه تحلیلی و ساختاری تلاش کرده اند؛ اما شناسایی دقیق‌تر و کامل‌تر مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده مفهوم تواضع در این تحقیق مد نظر است.

ظهور و بروز رفتاریِ تواضع را با نظر به آیات و روایات می‌توان به این صورت برشمرد: ساده‌زیستی،[۱] گفتار فروتنانه،[۲] فروتنی در حرکات و زبان بدن در حین تعاملات اجتماعی،[۳] انتخاب جایگاه معمولی (غیرویژه) در مجامع،[۴] خدمت به دیگران،[۵] توقع نداشتن از دیگران،[۶] هم‌نشینی با

---

۱. رسول خداﷺ می‌فرماید: «مَنْ تَرَكَ لُبسَ ثوبِ جمالٍ وَهُوَ يقدِرُ عَليهِ تواضُعاً كساهُ اللهُ حلّةَ الكرامه (مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ۷۱ / ۴۲۵)؛ کسی که توان پوشیدن لباس زیبایی را دارد، ولی به دلیل تواضع و فروتنی از پوشیدن آن خودداری نماید، خداوند به او لباس کرامت و جوانمردی می‌پوشاند.» همچنین، یکی از انصار برای رسول خداﷺ شیر و عسل درآمیخت و آورد، حضرت از تناول آن خودداری کرد و فرمود: «لا اشربه ولا احرّمه ولكن اتواضع للّه (کلینی، ۱۳۶۵: ۲ / ۱۲۲)؛ من این را نمی‌آشامم و تحریم هم نمی‌کنم؛ ولی برای خدا تواضع می‌کنم و قناعت می‌ورزم.» نیز داریم: «كان النَّبيُّﷺ... لَا يُحَقِّرُ مَا دُعِيَ إِلَيْهِ وَلَوْ إِلَي حَشَفِ التَّمْرِ وكَان خَفِيفَ الْمَئُونَةِ (حر عاملی، ۱۳۸۹: ۵ / ۵۴)؛ رسول اکرمﷺ اگر به جایی حتی برای خوردن خرمایی خشک دعوت می‌شدند، آن را کوچک نمی‌شمردند، و زندگی‌شان کم‌هزینه بود.»

۲. «مِنّ التّواضُعِ ان تُسَلِمَ عَلي مّن لَقيتَ (کلینی، ۱۳۶۵: ۲ / ۶۴۶)؛ نشانه تواضع این است که به هرکس برخورد کردی سلام کنی.» همچنین، «كان النَّبيّﷺ يُسَلِّمُ عَلَي مَنِ اسْتَقْبَلَهُ مِنْ غَنِيٍّ وَفَقِيرٍ وكَبِيرٍ وَصَغِيرٍ (حر عاملی، ۱۳۸۹: ۵ / ۵۴)؛ رسول اکرمﷺ به هرکس برخورد می‌نمودند، از بزرگ و کوچک، ثروتمند و فقیر، سلام می‌کردند.»

۳. «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا (فرقان / ۶۳)؛ بندگان [خاص] خدای رحمان آنان هستند که روی زمین با تواضع و فروتنی راه می‌روند»؛ «وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا (اسراء / ۳۷)؛ و روی زمین، با تکبر راه مرو. تو نمی‌توانی زمین را بشکافی، و طول قامتت هرگز به کوه‌ها نمی‌رسد»؛ «وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ (لقمان / ۱۹)؛ [پسرم،] در راه رفتن، اعتدال را رعایت کن.» ازآنجاکه تند راه رفتن، غالباً نشان سبکی انسان است و از سوی دیگر، با تأنی قدم برداشتن، از تکبر او سرچشمه می‌گیرد، در این آیه، از انسان خواسته شده که در گام برداشتن خود، اعتدال و میانه‌روی را به نشانه تواضع و بزرگواری خویش، رعایت نماید (طباطبایی، ۱۳۶۸).

۴. امام صادقؑ: «ان مِنَ التَّوَاضُعِ ان يَرْضَي الرَّجُلُ بِالْمَجْلِسِ دُونَ الْمَجْلِسِ (مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ۷۲ / ۴۶۵)؛ از موارد تواضع این است که انسان به جایگاه نشستنی پایین در مجلس خشنود باشد.»

۵. پدر و پسری از مؤمنین بر حضرت امیرالمؤمنینؑ وارد شدند. حضرت برخاست و ایشان را اکرام نمود و بر صدر مجلس نشانید و خود در برابر آن‌ها نشست و فرمود طعامی که آوردند، بخورند. سپس قنبر آفتابه و تشتی آورد تا دست ایشان را بشوید. حضرت از جای برخاست و آفتابه را گرفت که دست آن مرد را بشوید. آن مرد، خود را بر خاک مالید و عرض کرد: یا امیرالمؤمنینؑ، چگونه راضی شوم که خدا ما را ببیند و تو آب بر دست من بریزی؟ حضرت فرمود: بنشین و دست خود را بشوی؛ خدا تو را و برادری از شما را می‌بیند که هیچ فرقی ندارید و برادرتان می‌خواهد به جهت خدمت به تو در بهشت، ده برابر همه اهل دنیا، به او کرامت شود. سپس آن مرد نشست. پس حضرت فرمود: قسم می‌دهم تو را به حق عظیمی که من بر تو دارم که با آرامش دست خود را بشوی؛ همان‌گونه که اگر قنبر آب به دست تو می‌ریخت، می‌شستی. پس حضرت دست او را شست (نراقی، ۱۳۸۶: ۱ / ۲۷۷).

۶. امام علیؑ، پیامبرﷺ را این‌گونه توصیف می‌کند: «ایشان روی زمین می‌نشست و غذا می‌خورد. چون برده ساده می‌نشست. با دست خود، کفش خود را وصله می‌زد و جامه خود را با دست خود می‌دوخت» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴: ۸ / ۲۰۰).

فرودستان (و مسکینان)[۱] و اجتناب از گردنکشی و سوءرفتار با دیگران.[۲] البته همان‌طور که ذکر شد، مسئله این است که حصر توجه به تظاهرات رفتاری بدون دقت در اینکه آیا آن رفتارها از شناخت‌ها و گرایش‌های درستی نشئت گرفته‌اند یا خیر، بحث دیگری است.

۲. بررسی مفاهیم مترادف با تواضع

تواضع در قرآن کریم با واژه‌های دیگری ـ غیر از تواضع ـ همچون خضوع، خشوع، تضرع، اخبات، خفض جناح، هون و قنوت آمده است. لذا شناخت این مترادفات همراه با ذکر نمونه‌های قرآنی به فهم مفهوم تواضع کمک می‌کند.

«خضوع» در لغت به معنای تواضع و سر و گردن فرود آوردن است (ابن‌منظور، ۱۴۰۸ ق: ۸ / ۷۲). «خشوع» نیز به معنای تضرع و لابه کردن و فروتنی (عمید، ۱۳۶۴: ۱ / ۵۵۰) آمده است. فرق خضوع و خشوع این است که خضوع ناظر به اعضا و جوارح و خشوع مربوط به قلب است (طباطبایی، ۱۳۶۷: ۱ / ۱۵۲). همچنین گفته شده که تواضع به اعتبار خُلقیات و افعال ظاهر و باطن و «خشوع» به اعتبار جوارح است و سخنِ مشهورِ «إِذَا تَوَاضَعَ القَلْبُ خَشَعَتِ الْجَوَارِحُ» بر همین معنا دلالت دارد (عسکری، بی‌تا: ۱ / ۲۱۶ ـ ۲۱۵). آیاتی از قرآن کریم به خشوع اشاره کرده‌اند:

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (مؤمنون / ۲ ـ ۱)؛ مؤمنان رستگار شدند؛ آن‌ها که در نمازشان خشوع دارند.

«تضرّع» از «ضرع» به معنای اظهار ذلت و ضعف و به معنای فروتنی است و بیشتر در دل و خاطر انسان پدید می‌آید و در اعضای بدن او ظاهر می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۲ / ۲۹۵ و ۲۸۳). در قرآن کریم آمده است: «ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا (اعراف / ۵۵)؛ پروردگارتان را با تضرع بخوانید.»

«اخبات» نیز به معنای فروتنی کردن و خضوع و خشوع است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۲ / ۲۷۲).

---

۱. امام علی‌ﷺ می‌فرماید: «خوشا به حال کسی که بدون نقص پیدا کردن، تواضع می‌کند و با اهل ذلت و مسکینان اختلاط می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۷۵ / ۱۱۸). همچنین امام سجادﷺ درحالی‌که بر مرکب خود سوار بود، بر جذامیانی که غذا می‌خوردند، عبور کرد. آن‌ها حضرت را به غذا دعوت نمودند. حضرت فرمود: اگر روزه نبودم می‌پذیرفتم و هنگامی که به منزل تشریف برد، طعامی آماده کرد و سفارش کرد که خوب و لذیذ باشد و ایشان را دعوت فرمود و با ایشان غذا میل کرد (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۷۵ / ۱۳۰).

۲. امام صادقﷺ: «من حَقَّرَ النّاس وتَجَبَّرَ عَلَيْهم فَذلِك الجَبّارُ (کلینی، ۱۳۶۵: ۲ / ۳۱۴)؛ کسی که مردم را کوچک شمارد و بر آن‌ها گردنکشی کند، جبار (متکبر) است.» عبدالاعلی نیز از حضرت صادقﷺ نقل می‌کند: به آن حضرت گفتم کبر چیست؟ فرمودند: عظیم‌ترین کبر این است که حق را جاهل و منکر شوی و مردم را طعنه و عیب بگیری (حر عاملی، ۱۳۸۹: ۱ / ۲۶۸).

اخبات در صورت متعدی شدن با لام، معنای خضوع و خشوع می‌دهد (درویش، ۱۴۱۵ ق: ۴ / ۳۳۳). این واژه به لحاظ معنای ریشه آن و ویژگی باب إفعال، بر خشوع مستمر (طبرسی، ۱۴۱۵ ق: ۵ / ۲۳۰)، استقامت (طیب، ۱۳۷۰: ۷ / ۳۳)، شکسته شدن دل (ابن‌عربی، ۱۴۲۲ ق: ۲ / ۱۱۲)، سکون و اطمینان برخاسته از شوق (فیض کاشانی، ۱۳۷۳: ۶ / ۱۱۶) و سکون جوارح که از خضوع برای خدا نشئت گرفته‌اند دلالت دارد (طوسی، ۱۳۶۴: ۵ / ۴۶۷). در قرآن هم اخبات به معنای خضوع و خشوع به کار رفته است؛ مانند آیه: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَى رَبِّهِمْ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (هود / ۲۳)؛ اما آنان‌که به خدا ایمان آورده و به اعمال صالح پرداختند و به درگاه خدای خود خاضع گردیدند، آن‌ها البته اهل بهشت جاویدند که در آن بهشت متنعم ابدی خواهند بود».

در مورد «خفض جناح» نیز، «خفض»، به معنای فروآمدن، و ضد رفع است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۳؛ قرشی، ۱۳۸۱: ۲ / ۴۶۶). یعنی خفض جناح در برابر برتری طلبی و خود را برتر دانستن می باشد. بنابراین، در آیه «وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (شعراء / ۲۱۵)؛ و برای مؤمنانی که از تو پیروی کرده‌اند بال خود را بگستر»، منظور از «وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ»، تواضع و مهربانی است (قرائتی، ۱۳۸۳: ۶ / ۳۷۶).

«هُون» (به ضم هـ) از دیگر مفاهیم نزدیک به تواضع، و به معنای ذلت و خواری است (قرشی، ۱۳۷۶: ۷ / ۱۷۹)، اما علاوه بر آن، به معنای تذلل و تواضع نیز آمده است (طبرسی، ۱۴۱۵ ق: ۸ / ۸۸). دراین‌باره آیه مهمی در قرآن کریم وجود دارد:

> وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا. (فرقان / ۶۳)
> بندگان خدای رحمان کسانی هستند که با تواضع و وقار در روی زمین راه می‌روند.

«قنوت» نیز در لغت به معنای دوام اطاعت همراه با فروتنی است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۲: ۳ / ۶۸۴). برخی از آیاتی که این کلمه در آن‌ها به کار رفته است بدین‌ترتیب‌اند:

> يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ. (آل‌عمران / ۴۳)
> ای مریم، [به شکرانه این نعمت] برای پروردگار خود خضوع کن و سجده به‌جا آور و با رکوع‌کنندگان رکوع کن؛
> فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ. (نساء / ۳۴)
> زنان صالح زنانی هستند که متواضع‌اند و در غیاب [همسر خود] اسرار و حقوق او را در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می‌کنند.

بنابراین، این کلمه گاهی درباره تواضع در برابر همسر و عمدتاً در تواضع در برابر خداوند مطرح شده است.

درمجموع باتوجه‌به معنای مفاهیم مذکور و شواهدی که در آیات قرآن بیان شد، مفاهیمی چون خضوع، خشوع، تضرع و اخبات در قرآن کریم، بیشتر در زمینه ارتباط بنده با خداوند به کار رفته‌اند و کلمات «هون» و «خفض جناح» به مفهوم تواضع در روابط اجتماعی نزدیک‌ترند.

۳. بررسی مفاهیم متضاد با تواضع

مفاهیم تکبر، اختیال و تفاخر نقطه مقابل تواضع هستند.

«تکبّر» از ماده «کبر» است و کبر حالتی است که از شگفت‌زدگی انسان به خویش حاصل می‌شود؛ به‌گونه‌ای‌که خود را از جهتی از دیگران بزرگ‌تر ببیند (راغب اصفهانی، ۱۳۸۲: ۳ / ۴۳۸). تکبر یعنی آدمی خود را نسبت به دیگران، به دلیل کمالی که در خود می‌بیند، بزرگ شمارد؛ خواه آن کمال را داشته باشد یا نه و خواه آن صفتی که دارد و به آن می‌بالد، در واقع هم کمال باشد یا نه (محمدمهدی نراقی، ۱۳۸۶: ۱ / ۲۷۸).

«فخر» به معنای بالیدن به مال و جاه (قرشی، ۱۳۷۶: ۵ / ۱۵۵) است. در قرآن کریم آمده است:

> وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (لقمان، ۱۸)
> با کبر و نخوت از مردم رخ مگردان و در زمین با حالت فرحناک راه مرو که خداوند کسی را که متکبر و فخرفروش است [و از ادای حقوق دیگران سر باز می‌زند] دوست نمی‌دارد.

درواقع، تکبر در نفس آدمی است و فخر اظهار و شمردن اسباب تکبر و بالیدن بر آن‌هاست و هر دو صیغه مبالغه‌اند؛ یعنی خدا هیچ متکبر نازنده‌ای را دوست ندارد (قرشی، ۱۳۷۶: ۵ / ۱۵۵).

در قرآن، «فخور» دو مرتبه توأم با «مختال» آمده است (حدید / ۲۳؛ لقمان / ۱۸). «مختال» از ماده «خیال» و «خیلاء»، به معنای کسی است که با یک سلسله تخیلات و پندارها خود را بزرگ می‌بیند. مختال به معنای متکبر است (قرشی، ۱۳۷۶: ۵ / ۱۵۵). مختال کسی است که دستخوش خیالات خود شده و خیالش او را در نظر خودش، شخصی بسیار بزرگ جلوه داده است. درنتیجه، به کبر دچار و از راه صواب گمراه شده است و تبختر می‌کند. لذا انسان متکبر مختال و فخور است. این دو صفت خیال‌زدگی و کثرت فخر، از لوازم علاقه‌مندی به مال و جاه و افراط در حبّ آن دو است (طباطبایی، ۱۳۶۷). همچنین، گفته شده که تفاوت «مختال» و «فخور» در این است که اولی، اشاره به تخیلات کبرآلود ذهنی دارد و دومی، به اعمال کبرآمیز خارجی؛ و هر دو در این جهت مشترک‌اند که انسان را در عالمی از توهم و پندار و خودبرتربینی فرومی‌برند و رابطه او

را از دیگران قطع می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۷ / ۵۴). درمجموع، تکبر، تفاخر و اختیال به لحاظ معنایی، نزدیک به هم و نقطه مقابل تواضع‌اند. البته عُجب ـ بااینکه تا حدی نزدیک به آن‌هاست ـ در این تحقیق مد نظر نیست؛ چراکه بحث این تحقیق مربوط به روابط بین‌فردی است و عجب، برخلاف تکبر، امری درون‌فردی است، نه در ارتباط با دیگران.

مؤلفه‌های شناختی تواضع

اندیشمندان ساختار نفس را دارای عناصر شناختی، گرایشی و ارادی می‌دانند (جوادی آملی، ۱۳۸۷؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۸). براین‌اساس، هر رفتار ارادی ازجمله رفتارهای متواضعانه، از یک مبادی شناختی و گرایشی خاصی نشئت می‌گیرند. در این میان، شناخت‌ها، باورها و تفکرات انسان، نقش مهمی در رفتارهای او دارند. عمده‌ترین مؤلفه‌های شناختی تواضع چهار مورد هستند:

۱. شناخت واقع‌بینانه از خود

فرد متواضع شناخت درستی از خود دارد. او به‌رغم بزرگی و بلندمرتبگی، چنان به افق‌های دور چشم دوخته و کمالات برتر روحانی نظرش را جلب کرده است که بزرگی خود را به چیزی نمی‌گیرد و برای خود فضیلتی نمی‌شناسد و لذا خود را برتر از دیگران نمی‌بیند (تهرانی، ۱۳۹۵: ۶ / ۱۹۵ ـ ۱۹۴). در نقطه مقابل، اصلی‌ترین منشأ کبر عدم آگاهی یا عدم تعقل یا غفلت از کیفیت وجودی خود و توهم و تخیلِ داشتن کمالات است (تحریری، ۱۳۹۰: ۱ / ۳۵۵). بنابراین، آگاهی درباره کاستی‌ها و ضعف‌های خود ـ در کنار توجه به داشته‌ها ـ مهارکننده خوبی برای احساس برتری است.

۲. باور به فقر وجودی (بینش توحیدی)

فرد متواضع، علاوه بر اینکه به کاستی‌های خود توجه دارد، داشته‌های خود را هم به پای خود نمی‌نویسد و در این صورت، اصلاً جایی برای تکبر باقی نخواهد ماند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر / ۱۵). کسی که عظمت و قدرت و صفات کمالی خدا و کوچکی خود را در برابر آن ذات مقدس بشناسد و متوجه باشد که هرچه دارد، بخشش خداوند است و خودش پیچیده به انواع نقص و نیاز است، دچار خودبزرگ‌بینی نمی‌شود و خود را برتر از دیگران نمی‌بیند (تهرانی، ۱۳۹۵: ۶ / ۱۹۵ ـ ۱۹۴). بنابراین، گفته می‌شود که منشأ تواضع گاهی توجه به فقر وجودی خود در همه شئون هستی است که انسان هرچه داشته باشد، از خود او نیست: چنان‌که تهی به این دنیا آمده است، از این عالم نیز با دست خالی خواهد رفت (تحریری، ۱۳۹۰: ۱ / ۳۳۹).

فرمایش امام علی‌علیه‌السلام، «حَسبُ المَرء مِن تَواضُعِهِ مَعرفَتُهُ بقَدرِهِ (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۷۸ / ۸۰؛ انسان را از فروتنی همین بس که قدر و اندازه خود را بشناسد)»، و روایت امام رضاعلیه‌السلام، «التَّوَاضُعُ دَرَجَاتٌ مِنْهَا ان يَعْرِفَ الْمَرْءُ قَدْرَ نَفْسِهِ فَيُنْزِلَهَا مَنْزِلَتَهَا بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (کلینی، ۱۳۶۵: ۲ / ۱۲۴؛ تواضع درجاتی دارد. یکی از آن‌ها این است که انسان اندازه خود را بشناسد و با طیب خاطر خود را در آن جایگاه قرار دهد)» هم به این حقیقت اشاره دارد.

۳. توجه داشتن به شایستگی‌ها و قوت‌های دیگران

انسان متواضع وقتی امتیازات خود را در برابر دیگران می‌بیند، به این فکر می‌کند که حتماً دیگری هم امتیازاتی دارد که شاید او اکنون بر آن واقف نباشد. این فکر هم خودبرتربینی را مهار می‌کند. پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

> لَا يَتِمُّ عَقْلُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ حَتَّي لَا يَرَي أَحَداً إِلَّا قَالَ هُوَ خَيْرٌ مِنِّي وَأَتْقَي، إِنَّمَا النَّاسُ رَجُلَانِ رَجُلٌ خَيْرٌ مِنْهُ وَأَتْقَي وَرَجُلٌ شَرٌّ مِنْهُ وَأَدْنَي فَإِذَا لَقِيَ الَّذِي شَرٌّ مِنْهُ وَأَدْنَي قَالَ لَعَلَّ خَيْرَ هَذَا بَاطِنٌ وَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَخَيْرِي ظَاهِرٌ وَهُوَ شَرٌّ لِي وَإِذَا رَأَي الَّذِي هُوَ خَيْرٌ مِنْهُ وَأَتْقَي تَوَاضَعَ لَهُ لِيَلْحَقَ بِه. (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۴۴۳)
>
> عقل مرد مسلمان تمام نیست، مگر اینکه کسی را نبیند جز آنکه گوید: او از من بهتر و پرهیزکارتر است. همانا مردمان [در نزد او] دو دسته‌اند: یکی بهتر و پرهیزکارتر از او، و دیگری بدتر و پست‌تر از او. پس چون با بدتر و پست‌تر از خود برخورد کند، گوید: شاید نیکی و خیرش در باطن است، که آن به خیر اوست، و خیر و خوبی من آشکار است که آن به شر من است.

طبق این روایت، یا خوبی‌های دیگران برای ما شناخته شده و لذا از آن جهت برتری ایشان بر ما آشکار است و در غیر این صورت، باید با علم به کامل نبودن دانش مان، به این نکته توجه داشته باشیم که قطعاً خوبی‌هایی نیز در وجود ایشان هست که بر ما پوشیده است. غره نشدن به خوبی‌های خود و با حسابگری سخت‌گیرانه با خود مواجه شدن نیز به این امر کمک می‌کند.

۴. برابر و برادر دانستن خود با دیگران

فرد متواضع نگرش خاصی به دیگران ـ حتی آنان‌که از او نازل‌ترند ـ دارد. او خود را با همه مساوی می‌بیند؛ یعنی هر انسانی را که خداوند متعال به بندگی پذیرفته است به برادری خود می‌پذیرد و همین باعث می‌شود که با فروتنی با او معاشرت کند (تهرانی، ۱۳۹۵: ۶ / ۲۲۱) (شکل شماره ۱).

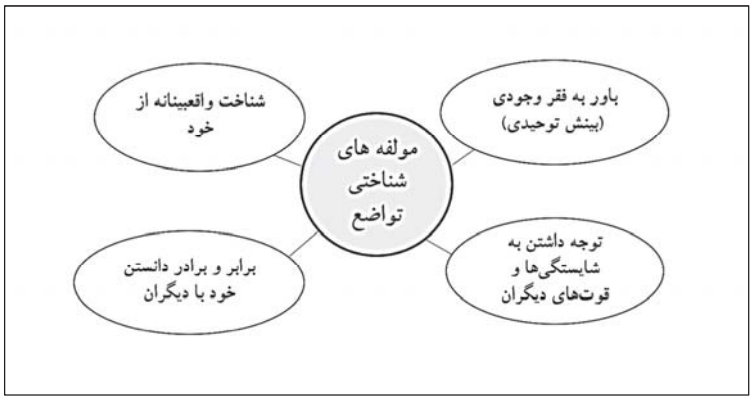

شکل شماره ۱. مؤلفه‌های شناختی تواضع

مؤلفه‌های عاطفی تواضع

علاوه بر نوع بینش و طرز فکر انسان، رفتارهای انسان تابع احساسات او هم هستند. بنابراین، نحوه احساسات و عواطفی که فرد راجع به خودش و دیگری دارد، در رفتارهای متواضعانه او مؤثر است. بر اساس آیات و روایات می‌توان هفت مؤلفه عاطفی برای تواضع استخراج کرد:

۱. عدم احساس شگفتی و خودستایی

متکبر ازآنجاکه خود را برتر از دیگران می‌بیند، دچار احساس خوش‌حالی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۲ / ۴۳ ـ ۴۴) و حالت شگفت‌زدگی درباره خویش می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۲ / ۴۳۸). پس در نقطه مقابل، فرد متواضع احساس خودستایی و شگفتی از خود ندارد. این، یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های گرایشی در تواضع محسوب می‌شود.

۲. محبت به دیگران

در قرآن کریم آمده است:

> وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. (شعراء / ۲۱۵)
> و برای مؤمنانی که از تو پیروی کرده‌اند بال خود را بگستر.

مصطفوی (۱۳۶۸: ۳) معتقد است که در خفض، معنای رحمت هست. مفسران نیز معتقدند منظور از «وَاخْفِضْ جَناحَكَ»، تواضع و مهربانی است (طباطبایی، ۱۳۶۷؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ۶ / ۳۷۶)؛ یعنی رفتار متواضعانه توأم با یک حالت تمایل و توجه مثبت و محبت به دیگران. البته این نکته که کلمه «جنح»

نیز در قرآن به معنای میل و تمایل به کار رفته است (طبرسی، ۱۴۱۵ ق: ۴ / ۸۵۳) جنبه عاطفی ـ احساسی تواضع را به ذهن متبادر می‌سازد.

۳. نگرش احترام‌آمیز به همهٔ انسان‌ها بدون توجه به جایگاه آن‌ها

«نگرش» ترکیبی از شناخت و عاطفه است و بیشتر بار عاطفی دارد.[۱] ارزشمند دانستن دیگران به علاوه حس احترام‌آمیز به آن‌ها، منجر به رفتار محترمانه می‌شود (See: Vojdani & Roohi Barandagh, 2018).

گفته شده لازمه تواضع کردار و گفتاری است که دلالت بر تعظیم دیگران و اکرام و احترام ایشان می‌کند (احمد نراقی، ۱۳۸۶: ۱ / ۲۴۳). در روایتی از امام علی‌علیه‌السلام نقل شده است:

> خوشا به حال کسی که بدون نقص پیدا کردن، تواضع کند و با اهل فهم و رحمت مجالست کند و با اهل ذلت و مسکینان اختلاط داشته باشد (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۷۵ / ۱۱۸).

با دقت در این روایات، فهمیده می‌شود که آنچه مهم است، داشتن این حالت است که برای انسان فرقی نکند که مخاطب او فقیر باشد یا غنی؛ زیرا این امور اعتباری‌اند و موجب شرافت و کمال انسان نمی‌شوند (تحریری، ۱۳۹۰: ۱ / ۳۴۶)؛ یعنی اجتناب از تحقیر و بلکه نگرش احترام‌آمیز به دیگران مؤلفه مهمی برای تواضع به شمار می‌رود.

۴. بی‌میلی برای ستایش شدن

امام هادی‌علیه‌السلام می‌فرماید:

> ان مِنَ التَّوَاضُعِ... ولَا يُحِبَّ ان يُحْمَدَ عَلَي التَّقْوَي. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۷۲ / ۴۶۵)
> از موارد تواضع این است که او دوست نداشته باشد که بر تقوا ستایش شود.

بنابراین، انسان متواضع حتی اگر امتیازاتی داشته باشد، تمایل و احساس نیاز و اشتیاق برای تعریف و تمجید شدن ندارد؛ به‌ویژه که پیامدهای منفی بسیار زیادی برای مورد مدح قرار گرفتن ذکر شده است.[۲]

---

۱. نگرش «سازمان نسبتاً پایدار باورها، احساسات و تمایلات رفتاری به چیزها، گروه‌ها، وقایع یا نمادهایی است که از نظر اجتماعی معنادارند» (Hogg & Vaughan, 2005: 150).

۲. پیامبر اکرم‌صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «ایاکُم والمَدحَ فإنّهُ الذَّبحُ (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴: ۱۰ / ۴۳۵)؛ از مدح و ستایش بپرهیزید، که آن سر بریدن است.» منظور این است که وقتی فرد مورد مدح و ستایش و تمجید قرار می‌گیرد، زمینه غرور و کبر و سایر رذایل در او پدید می‌آید و رستگار نمی‌شود.

۵. بی‌میلی به خاص و برتر بودن (رضایت از جایگاه برابر یا پایین‌تر)

انسان متواضع چون عشقی به برتر بودن نسبت به دیگران ندارد، نیازی هم ندارد که در جمع انسان‌ها برجسته و خاص به نظر برسد. در روایتی امام صادق‌علیه‌السلام از پدران بزرگوارش نقل می‌فرماید:

> ان مِنَ التَّوَاضُعِ ان يَرْضَي الرَّجُلُ بِالْمَجْلِسِ دُونَ الْمَجْلِسِ. (همان)
> از موارد تواضع این است که انسان به جایگاه نشستنی پایین در مجلس خشنود باشد.

همچنین، گفته شد که تواضع این است که انسان خود را با همه مساوی ببیند؛ یعنی هر مسلمانی را که خداوند متعال به بندگی پذیرفته است، به برادری خود بپذیرد و به برادری با او خشنود و راضی باشد (تهرانی، ۱۳۹۵: ۶ / ۲۲۱). عبارت «خشنود بودن» و «راضی بودن» حاکی از یک وضعیت عاطفی است. لذا ایشان از جایگاه معمولی که در میان دیگران دارند احساس رضایت می‌کنند.

۶. نداشتن حب افراطی به مال دنیا

به دنبال عدم احساس نیاز و اشتیاق برای جلب توجه و اثبات برتری و فخرفروشی، فرد متواضع از تجملات هم که عموماً برای نشان دادن خاص‌بودگی به کار می‌روند پرهیز می‌کند. نقل شده است که رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله با اشربه و اطعمه ساده افطار می‌کرد و می‌فرمود:

> دو نوشیدنی را که بتوان به یکی از دیگری کفایت کرد، نمی‌نوشم و آن را حرام هم نمی‌کنم، ولکن برای خدا تواضع می‌کنم. همانا هرکس برای خدا تواضع کند و هرکه در معیشت خود میانه‌روی کند، خداوند روزی‌اش می‌دهد (حر عاملی، ۱۳۸۹: ۱ / ۱۵۰).

ائمه‌علیهم‌السلام نیز از بعضی غذاهای لذیذ یا لباس‌های زیبا و قیمتی و امثال آن که ممکن است زمینه‌ساز حالت فخرفروشی باشد اجتناب می‌کردند؛ زیرا نفس انسانی گاهی با این امور حالت تواضع را از دست می‌دهد (مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ۶۶ / ۳۲۲).

۷. حبّ خداوند

بینش توحیدی و معرفت خداوند منجر به محبت به او و لذا خلوص نیت او در تک‌تک رفتارهای فرد متواضع می‌شود. درباره تواضع نیز به همین صورت است؛ یعنی فردی که خداوند را دوست می‌دارد، نیتش در تکریم و تواضع در برابر دیگران، صرفاً کسب رضای خداست. لذا وقتی در برابر دیگری احترام و تواضع به خرج می‌دهد، انتظار تکریم متقابل ندارد. بنابراین، گفته می‌شود که تواضع واقعی و

پسندیده صرفاً برای خدا و در راه خداست (محمدمهدی نراقی، ۱۳۸۶: ۱ / ۲۷۷)؛ همان‌گونه که علامه طباطبایی ذیل آیه ۶۳ سوره فرقان می‌فرماید: مؤمنان، هم در برابر پروردگار تواضع دارند و هم در برابر مردم چنین هستند و بنابراین، تواضع آنان مصنوعی نیست. آن‌ها واقعاً در اعماق دل، افتادگی و تواضع دارند (طباطبایی، ۱۳۶۷: ۱۵ / ۳۳۲) (شکل شماره ۲).

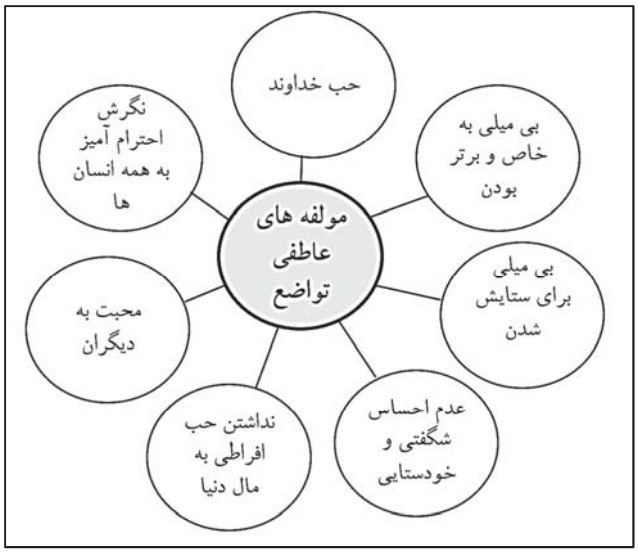

شکل شماره ۲: مؤلفه‌های عاطفی تواضع

بدین‌ترتیب، رفتارهای متواضعانه همچون ساده‌زیستی، گفتار فروتنانه، فروتنی در حرکات و زبان بدن، انتخاب جایگاه معمولی در مجامع، خدمت به دیگران، توقع نداشتن از دیگران، هم‌نشینی با فرودستان و اجتناب از گردنکشی و سوءرفتار با دیگران، صرفاً اگر دارای چنین مبادی شناختی و عاطفی‌ای باشند، تواضع واقعی خواهند بود.

نتیجه

یافته‌های این پژوهش نشان داد که فهم دقیق تواضع نیازمند فهم عمیق مؤلفه‌های شناختی و عاطفیِ این رفتار است. ممکن است گاهی رفتارهایی به‌ظاهر متواضعانه، بدون برخورداری از پایه‌های درونی مناسب (مبادی شناختی و گرایشی مناسب) از فردی بروز کند، اما چنین رفتاری چون از حسن فاعلی برخوردار نیست، به نوعی شبه‌تواضع و فاقد خصوصیت‌های لازم برای یک رفتار حقیقتاً فضیلتمندانه خواهد بود.

در میان مؤلفه‌های شناختی و عاطفی تواضع می‌توان دو مؤلفه بینش توحیدی و حب الهی را مؤلفه‌های پایه و پشتیبان برای سایر مؤلفه‌ها دانست (شکل شماره ۳).

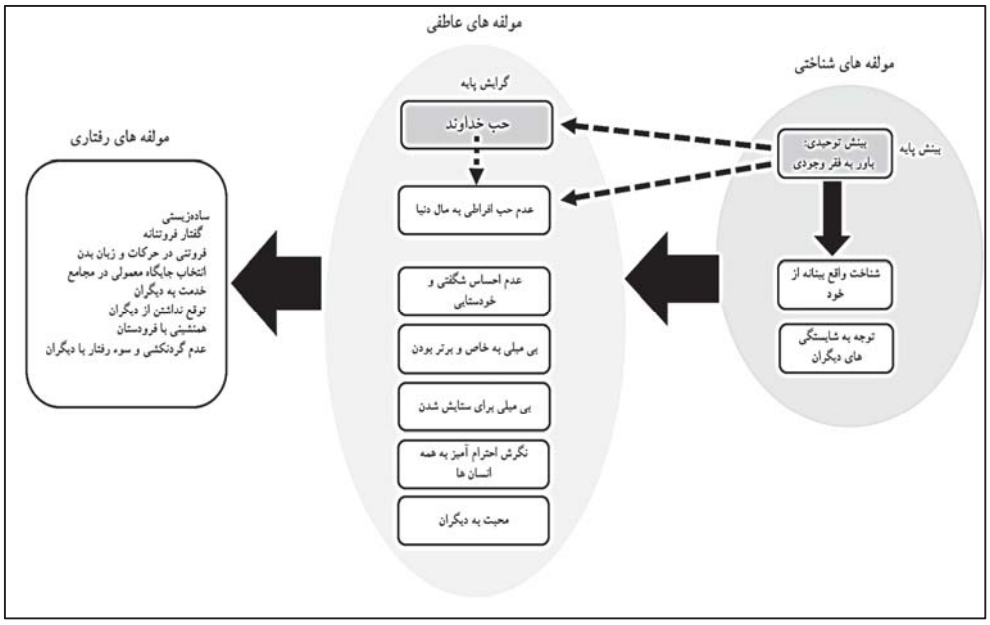

شکل شماره ۳. مؤلفه‌های تواضع حقیقی

تواضع حقیقی در بُعد بینشی و شناختی متکی بر باور به این حقیقت است که من به‌عنوان وجود ربطی، گرچه به خاطر عنایات خداوند، موجودی ارزشمند هستم، به‌صورت مستقل، هیچ نیستم و به‌خودی‌خود، چیزی ندارم که به آن ببالم.[۱] ازاین‌رو، برتر و ارزشمندتر از دیگران نیز نیستم و دیگران به خاطر محاسنی که چه‌بسا بخش مهمی از آن بر من پوشیده باشد، ارزشمندتر از من و دست‌کم هم‌رتبه من هستند. بدین‌ترتیب، تظاهرات رفتاری تواضع، متکی بر احساس عمیق احترام‌آمیز و گرایش مثبت به دیگران نیز هست. همچنین در بُعد عاطفی، تواضع حقیقی از وجود حب الهی، بی‌میلی به خودستایی و ستایش شدن، محبت‌ورزی به دیگری و دیگر عواطف صادقانه در فرد حکایت دارد که ثمره آن در قالب رفتارهای متواضعانه نمود می‌یابد.

یافته‌های این پژوهش در ساحت نظرورزی، پیچیده بودن تواضع را ـ به تبع پیچیدگی وجود

۱. امام علی‌ﷺ نیز در تفسیر «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا بِاللّه» فرموده‌اند: «إنّا لا نَملِكُ مَعَ اللّه شَيئا ولا نَملِكُ إلّا ما مَلَّكَنا (*نهج‌البلاغه*، حکمت ۴۰۴)؛ با وجود خدا، ما مالک هیچ چیز نیستیم و تنها مالک آن چیزی هستیم که او خود آن را به ملکیت ما درآورده است.»

انسان ـ نشان می‌دهد و فرد را از ساده‌اندیشی دراین‌باره برحذر می‌دارد؛ و در ساحت عمل و کاربرد اولاً شاخصه‌های دقیقی را برای خودارزیابی و خودشناسی معتبر و مقابله با خودفریبی در اختیار قرار می‌دهد؛ به‌علاوه، سرنخ‌های مفیدی را برای طراحی یک برنامه جامع تربیت اخلاقی ـ جهت تهذیب نفس یا تربیت دیگری ـ فراهم می‌کند و نشان می‌دهد که صرفاً با آموختن و عادت دادن متربی به یک مجموعه آداب ظاهری و بدون کار عمیق روی مؤلفه‌های درونی، نمی‌توان او را متواضع بار آورد. این امر بدین دلیل است که اخلاق به‌عنوان صفات ریشه‌دار نفسانی، ناشی از خصایص درونی است و لذا در تربیت اخلاقی هم گرچه پرورش افرادی با رفتارهای شهروندی خوب مطلوب و مدنظر است، برای رسیدن به این امر، توجه به استعدادهای درونی و رشد نفس ملکوتی انسان و صفات روحی وی اهمیت بنیادین دارد تا با جهت‌دهی آن‌ها، رفتارهای فضیلتمندانه مبتنی بر مبانیِ درست، بر اعضا و جوارح فرد جاری شود.

منابع و ماخذ

قرآن کریم.

نهج‌البلاغه.

۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱٤۱۰ ق، ***غرر الحکم و درر الکلم***، ج ۳، قم، دار الکتاب الاسلامی.

۲. ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱٤۰٤ ق، ***تحف العقول***، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، نشر جامعه مدرسین.

۳. ابن‌عربی، محمد بن علی، ۱٤۲۲ ق، ***تفسیر ابن‌عربی***، ج ۲، بیروت، دار صادر.

٤. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۰۸ ق، ***لسان العرب***، تعلیقه علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۵. انوری، حسن، ۱۳۸۱، ***فرهنگ بزرگ سخن***، تهران، سخن.

٦. بابوسته، ناصر، ۱۳۹۳، ***تکبر و تواضع از دیدگاه قرآن و حدیث***، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.

۷. باقری، خسرو، ۱۳۸۷، ***درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران***، تهران، علمی و فرهنگی.

۸. تحریری، محمدباقر، ۱۳۹۰، ***عقل و عروج***، تهران، علمی و فرهنگی.

۹. تلمسانی، عفیف‌الدین، ۱۳۷۱، ***شرح منازل السائرین***، ج ۱، قم، بیدار.

۱۰. تهرانی، مجتبی، ۱۳۹۵، ***اخلاق الاهی***، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۱۱. جاهد، محسن و همکاران، ۱۳۹۳، «تحلیل تواضع بر اساس اندیشه‌های فیلسوفان اخلاق معاصر غربی»، ***پژوهش‌نامه اخلاق***، سال هفتم، زمستان، ش ۲۶، ص ۹۴ ـ ۷۹.

۱۲. جاهد، محسن و همکاران، ۱۳۹٤، «چیستی تواضع: بررسی تطبیقی دیدگاه‌های اخلاقیون مسلمان و فیلسوفان اخلاق غربی»، ***پژوهش‌های اخلاقی***، سال پنجم، بهار، ش ۳، ص ۱۱۱ ـ ۹۵.

۱۳. جعفری، عباس، ۱۳۸۶، ***تواضع و تکبر در قرآن و حدیث***، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی.

۱٤. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷، ***تفسیر انسان به انسان***، قم، إسرا.

۱۵. حر عاملی، محمد بن حسین، ۱۳۸۹، ***جهاد با نفس***، ج ۱، ترجمه علی صحت، قم، بقیةالله.

۱٦. حسینی همدانی، محمدحسین، ۱۳۸۰، ***انوار درخشان***، بی‌جا، بی‌نا.

۱۷. درویش، محی‌الدین، ۱٤۱۵ ق، ***اعراب قرآن***، ج ٤، بیروت، دار و مکتبه الهلال.

۱۸. راغب اصفهانی، حسین، ۱۳۷٤، ***مفردات الفاظ قرآن***، ترجمه و تحقیق غلام‌رضا خسروی حسینی، ج ۲، تهران، مرتضوی.

۱۹. راغب اصفهانی، حسین، ۱۳۷۵، ***مفردات الفاظ قرآن***، ج ۲ و ٤، قم، دار الکتب الاسلامی.

۲۰. راغب اصفهانی، حسین، ۱۳۸۲، ***مفردات الفاظ قرآن***، ج ۳، قم، دار الکتاب الاسلامی.

۲۱. ابن‌فارس، احمد، ۱۴۰۴ ق، ***معجم مقاییس اللغه***، ج ۶، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

۲۲. زبیدی حسینی، محمدمرتضی، ۱۳۸۵، ***تاج العروس من جواهر القاموس***، ج ۶، بیروت، دار الهدایه.

۲۳. سلیمانی، معصومه، ۱۳۹۵، «نقش عنصر تواضع در شکل‌گیری و تقویت ارتباطات میان‌فردی از منظر آیات و روایات»، ***فرهنگ پژوهش***، زمستان، ش ۲۸، ص ٤۰ ـ ۲۰.

۲٤. شاکریان رستمی، اویس، ۱۳۹۵، ***حدود و کارکرد تربیتی تواضع در خانواده***، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده الهیات.

۲۵. صادقی، مسعود، ۱۳۹۹، «تحلیل سه تلقی و تعریف از تواضع: رویکردهای ارسطو، آگوستین و جولیا درایور»، ***اخلاق‌پژوهی***، شماره ۸، ص ۱۰۹ ـ ۸۹.

۲٦. صنعمی، مهران، ۱۳۹۳، ***بررسی و معناشناسی کبر و خشوع از منظر آیات و روایات***، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه قرآن و حدیث تهران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.

۲۷. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۶۷، ***ترجمه تفسیر المیزان***، ج ۱، ۱۵ و ۱۷، قم، بنیاد علمی و فرهنگی طباطبایی.

۲۸. طبرسی، فضل بن حسن، ۱٤۱٥ ق، ***مجمع البیان***، ج ۱، ٥ و ۸، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
۲۹. طوسی، نصیرالدین، ۱۳۶۴، ***اخلاق ناصری***، ج ٥، تهران، خوارزمی.
۳۰. طیب، عبدالحسین، ۱۳۷۰، ***اطیب فی تفسیر قرآن***، ج ۷، تهران، اسلام.
۳۱. عارفی‌نسب، علی، ۱۳۹٦، ***چالش‌های فروتنی در رفتار مقامات نظام و راهکارهای مقابله با آن از منظر قرآن و حدیث***، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
۳۲. عسکری، ابوهلال، بی‌تا، ***الفروق اللغویه***، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۳۳. علم‌الهدی، حسین بن محمد، ۱٤۰٥ ق، ***رسائل الشریف المرتضی***، ج ۲، قم، دار قرآن کریم.
۳٤. عمید، حسن، ۱۳٦٤، ***فرهنگ فارسی عمید***، تهران، چاپ‌خانه سپهر.
۳٥. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱٤۰۹ ق، ***العین***، ج ۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳٦. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، ۱٤۱٥ ق، ***القاموس المحیط***، ج ۱ و ۸، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۳۷. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، ۱۳۷۳، ***المحجة البیضا***، ج ۶، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۳۸. قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، ***تفسیر نور***، ج ٤ و ٦، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۳۹. قرشی، علی‌اکبر، ۱۳۷٦، ***قاموس قرآن***، ج ۱، ۳، ٥ و ۷، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
٤۰. قرشی، علی‌اکبر، ۱۳۸۱، ***قاموس قرآن***، ج ۲، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
٤۱. کاشفی و همکاران، ۱۳۹۹، «تبیین راهکارهای عملی و نظری کسب تواضع و فروتنی بر مبنای تحلیل محتوای خطبه قاصعه امیرالمؤمنین»، ***اخلاق***، سال دهم، بهار، ش ۳۷، پیاپی ٥۹، ص ۳۷ ـ ۱۱.
٤۲. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳٦٥، ***اصول کافی***، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
٤۳. مجلسی، محمدباقر، ۱٤۰۳ ق، ***بحار الانوار***، ج ۷۲، ۷٥ و ۷۸، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
٤٤. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ ق، ***بحار الانوار***، ج ۷۱، بیروت، الوفا.
٤٥. مجلسی، محمدباقر، ۱٤۰٤ ق، ***بحار الانوار***، ج ٦٦، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
٤٦. محمدی اشتهاردی، محمد، ۱۳۷۸، «تواضع و فروتنی»، ***پاسدار اسلام***، بهمن، ش ۲۱۸، ص ۲۱ ـ ۱٦.
٤۷. محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۸٤، ***میزان الحکمه***، ج ۸، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
٤۸. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۸، ***انسان‌سازی در قرآن***، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
٤۹. مصطفوی، حسن، ۱۳٦۸، ***التحقیق فی کلمات القرآن الکریم***، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
٥۰. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷٤، ***تفسیر نمونه***، ج ۱۷ و ۱۸، تهران، دار کتب الاسلامیه.
٥۱. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۷، ***اخلاق در قرآن***، ج ۲، قم، دار الکتاب.

۵۲. نراقی، احمد، ۱۳۸۶، ***معراج السعاده***، ج ۱، قم، اسلامی.

۵۳. نراقی، محمدمهدی، ۱۳۸٦، ***جامع السعادات***، ج ۱، قم، بی‌جا.

54. Hogg, M. & Vaughan, G., 2005, ***Social Psychology***, 4th edition, London, Prentice – Hall.
55. Vojdani, F. & Roohi Barandagh, K., 2018, Respect for others from attitude to behavior, an islamic view, ***European Journal of Science and Theology***, August 2018, V. 14, No. 4, P.151 – 164.